



بیانات رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران





بیانات رهبرانقلاب
در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (۱)

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ابي القاسم
المصطفى محمد وعلى آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقيّة الله
في الارضين (ارواحنا فداه).

خیلی خوش آمدید. امروز برای بنده هم روز بسیار خرسندکننده و
دلنشین در دیدار شما عزیزان، شما مردان انقلاب و مردان پاسداری از حق
و حقیقت است. از بیانات فرمانده محترم سپاه و نماینده‌ی محترم تشکر
میکنم؛ بیانات بسیار خوبی را بیان کردند.

یک قسمت از عرایض بنده یک اجمالی درباره‌ی سپاه است. مايلم
مطالبی را درباره‌ی سپاه عرض بکنم که این مطالب شاید بارها گفته شده،
لکن در عین حال، مردم ما، جوانهای ما و جوانهای خود سپاه احتیاج
دارند این مطالب را بشنوند. ما باید شناسنامه‌ی خودمان را فراموش
نکنیم. یکی از اهداف شیاطین عالم، خود فراموشی ما است؛ نباید
بگذاریم. یک مختصری... البته کوتاه... در زمینه‌ی سپاه عرض می‌کنم،
یک جمله هم درباره‌ی انقلاب که سپاه رسالت پاسداری از آن را متعلق
به خودش میداند. این انقلابی که شما سپاه پاسداران آن هستید،
چه خصوصیاتى دارد؟ چند جمله‌ای هم در این زمینه عرض می‌کنم.

سپاه؛ پدیده‌ای منحصر به فرد در بین انقلابهای بزرگ تاریخ

درباره‌ی سپاه، چند نکته را یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم.
نکته‌ی اول این است که تشکیل سپاه در ابتدای انقلاب، یک پدیده‌ی
منحصر به فرد در بین انقلابهای بزرگ تاریخ بود. در انقلابهای بزرگی
مثل انقلاب فرانسه یا انقلاب بلشویکی شوروی، گروه‌هایی پیدا
شدند که در اوایل انقلاب به عنوان طرف داری از انقلاب سر بلند کردند،

اقداماتی کردند، لکن سپاه مطلقاً قابل مقایسه‌ی با آن گروه‌ها و آن جمعیت‌ها نبود؛ آنها ویرانگر بودند، خودسر بودند، بی‌انضباط بودند، بدون پایبندی به مبانی و اصول بودند، سپاه نه؛ سپاه از اول تشکیل - اینها مهم است - زیر نظر مرکزیت انقلاب تشکیل شد؛ فرماندهی و سازمان‌دهی اش متمرکز بود؛ شورای مدیریت و فرماندهی بود؛ از اول، یک فرماندهی متمرکزی وجود داشت. [فرماندهی سپاه] در مرکز بود؛ در همه جای کشور حضور داشت، اما مرکزیت به معنای واقعی کلمه فرماندهی میکرد.

از اول تشکیل سپاه، افراد سپاه و عناصر سپاه برخوردار بودند از ارزشهای دین و انقلاب، مثل ایثار، مثل فداکاری، مثل حضور جهادی دائمی و شبانه‌روزی، مثل اطاعت و تسلیم در مقابل امام بزرگوار؛ مطلقاً غیر از این دیده نشد. ما از اول ناظر و حاضر بودیم، مسائل سپاه را میدیدیم؛ یعنی یک پدیده‌ای بود منحصر به فرد. افراد دارای طهارت بودند، دارای تقوا بودند. بنده نمیخواهم مبالغه کنم، بالاخره نقص و ضعف در همه‌ی افراد هست؛ نقصهایی وجود داشت، ضعفهایی وجود داشت، اما بر حسب قرائن، در تاریخ کشور ما تا آن روز، شاید هیچ مجموعه‌ی نظامی با این اندازه سلامت دیده نشده بود؛ سلامت انسانی و سلامت خدایی. در طول تاریخ کشور، تا آنجایی که بنده اطلاع دارم، نمی‌شناسیم هیچ مجموعه‌ی نظامی را که تا این حد از سلامت معنوی و اخلاقی و سیاسی برخوردار باشند؛ این یک نکته است. تشکیل سپاه یک پدیده‌ی این‌چنینی بود.

✦ رشد و زایش درونی سپاه

نکته‌ی بعدی، مسئله‌ی رشد و زایش درونی سپاه است؛ این هم یک پدیده‌ی بی‌نظیر است. سپاه در آغاز تشکیل خودش از یک

مجموعه‌ی چند صد نفری تشکیل شد اما در یک مدّتی، کمتر از دو سال، تبدیل شد به یک سازمان نظامی گسترده، با تشکیلات منظم، با سازماندهی یگانهای تیپی که این خیلی چیز مهمّی بود؛ توانست مجموعه‌های نظامی را سازماندهی تیپی بکند؛ یعنی از مجموعه‌های کوچک بی‌اسم تا گروهانها، تا گردانها فراتر برود و تیپ‌ها را درست کند؛ در کمتر از دو سال این اتفاق افتاد. همین موجب شد که بعد از مدّت کوتاهی بتواند در همراهی و همکاری با ارتش چند عملیات بزرگ و تعیین‌کننده را به سامان برساند؛ عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین، و بیت المقدّس. یعنی آن روزی که مثلاً یک عملیات عظیمی مثل فتح المبین با شرکت تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز سپاه به وجود آمد، یعنی فروردین سال ۶۱، از تشکیل سپاه تا آن روز دو سال و خرده‌ای میگذشت؛ یعنی یک چنین رشد، یک چنین زایش با آن فرماندهی‌ها، با آن حرکت‌های اعجاب‌انگیز [وجود داشت] که من عقیده‌ام این است هنوز هم با این همه نوشته‌هایی که ما در این زمینه داریم، جزئیات مسائل و عظمت کار درست روشن نیست، درست تبیین نشده. سپاه توانست با فداکاری... اینجا، هم آمادگی‌های ذهنی و فکری و روحی بود، هم فداکاری‌های عملی... قدرت عظیم دفاع نظامی انقلاب را به دشمن نشان بدهد، که این تعیین‌کننده بود:

نهد جان دریکی تیور هاند

زننگ تیره روزی کشوری را (۲)

یک چنین حالتی به وجود آمد. این حرکت، این زایش و استحکام بی‌نظیر است؛ این یک پدیده‌ی بی‌نظیری است؛ ما [مثل این را] نداریم. و این پدیده‌ی بی‌نظیر استثنائی ادامه پیدا کرد، متوقف نشد؛ یعنی این جور نبود که یک حرکتی را شروع کنند، یک رشدی بکنند بعد متوقف بشوند؛ نه، این تا امروز ادامه پیدا کرده، به طوری

که ما با گذشت حدود چهار دهه، یک کانون عظیم و کاملاً مجهز دفاعی و نظامی و بزرگ‌ترین سازمان ضد تروریستی دنیا را داریم. امروز سپاه بزرگ‌ترین سازمان ضد تروریستی در همه‌ی دنیا است؛ یک سازمان مجهز نظامی است؛ یک سازمان کارآمد و مستقلاً است که کارهایی می‌تواند انجام دهد که خیلی از ارتش‌های بزرگ دنیا نمی‌توانند انجام بدهند. این هم در مورد رشد و زایش [سپاه].

❖ عملکرد سپاه در مواجهه با بحران‌های دست‌ساز دشمن

یک نکته‌ی دیگر مربوط به عملکرد سپاه است؛ این هم یک پدیده‌ی جذاب و چندوجهی است. اولاً یکی از مهم‌ترین کارهایی که سپاه از روز اول تا امروز انجام داده، مواجهه با بحران‌های دست‌ساز دشمن است؛ این خیلی مهم است. من یک سابقه‌ی تاریخی را مطرح کنم؛ مدّت کوتاهی، تقریباً یک ماه قبل از پیروزی انقلاب، یعنی به طور دقیق در نیمه‌های دی ماه سال ۵۷، سران چهار کشور آمریکا، انگلیس، فرانسه، و آلمان جمع شدند در یک کنفرانسی. به تعبیر خودشان یک گردهمایی‌ای. در یک جزیره‌ی فرانسوی به نام گوادلوپ که بعدها به کنفرانس گوادلوپ معروف شد. موضوع بحث در این کنفرانس، انقلاب بود، انقلاب ایران بود، انقلاب اسلامی بود. نشستند بحث کنند که «چه کار کنیم؟ چه چاره کنیم در مقابل این انقلاب؟»؛ میدیدند که [انقلاب] دارد پیروز میشود دیگر. به این نتیجه رسیدند که نجات رژیم دست‌نشانده‌ی پهلوی ناممکن است؛ این نتیجه‌ی اول؛ گفتند این کار شدنی نیست؛ نمیشود. نتیجه‌ی دوّم این بود که به خودشان مژده دادند، گفتند بله، این انقلاب پیروز خواهد شد، لکن بحران‌هایی برای این انقلاب پیش می‌آید. این را اسناد منتشرشده‌ی این کنفرانس می‌گوید. که هیچ دولتی که بعد از انقلاب سرکار بیاید، قادر به مواجهه‌ی با آن

بحرانها نیست؛ به این نتیجه رسیدند. یعنی آن مقداری که از این کنفرانس گفته شده، این است. گفتند هر دولتی که بعد از انقلاب سرکار بیاید با این بحرانها از پای در خواهد آمد و نمیتوانند ادامه بدهند. بعدها اسناد لانه‌ی جاسوسی درآمد؛ در اسناد لانه‌ی جاسوسی این معنا تصریح شده بود که غربی‌ها برای اینکه این انقلاب پا نگردد و قابل تداوم نباشد، یک سیاست راهبردی را طراحی کردند؛ آن سیاست راهبردی عبارت بود از بحرانهای پی‌پی، حوادث پی‌درپی. ببینید! ما اوایل انقلاب در غرب کشور مسئله داشتیم، در شمال غربی مسئله داشتیم، در شمال شرقی تقریباً مسئله داشتیم، در جنوب مسئله داشتیم، در جنوب شرقی مسئله داشتیم؛ یعنی اطراف کشور دائماً بحران بود. این خبر، تفسیر این حوادث را برای ما روشن میکند که این حوادث چه بود؛ این حوادث خود جوش نبود؛ اینها همان بحرانهای پی‌درپی است. بعد از مدتی هم که جنگ و حمله‌ی صدام شروع شد. چه کسی توانست این بحرانها، این حوادث و اغتشاشها را سرکوب کند و کشور را از دست اینها نجات بدهد؟ چه کسی توانست مردم کردستان را، مردم بلوچستان را، مردم مناطق گوناگون کشور را از شر این اغتشاشها نجات بدهد؟ چه کسی توانست در تهران آحاد مردم را از هجمه‌ی تروریستی گسترده نجات بدهد؟ سپاه؛ سپاه بود. آن سازمانی که این سیاست بحرانهای پی‌درپی را که نشسته بودند طراحی کرده بودند برای زمین‌گیر کردن انقلاب، شکست داد، سپاه بود؛ این آتش را آنها بودند که خاموش کردند. هدف دشمن این بود که با این بحرانها رمق انقلاب را بگیرند، بعد که انقلاب ضعیف شد، یک کودتایی مثل کودتای بیست و هشتم مرداد درست کنند و قضیه را تمام کنند. سپاه جلوی بیست و هشتم مردادها را گرفت؛ سپاه گذاشت حرکت صحیحی را که کشور آغاز کرده بود، با سیاست دشمن خنثی بشود. اینکه شما می‌بینید غربی‌ها این قدر با سپاه بدند، نام سپاه همیشه با بغض و کینه از طرف آنها ادا میشود، علتش این است. خب،

این هم یک بخشی از عملکرد سپاه بود. عملکرد سپاه در دفاع مقدّس یک فصل جداگانه و بسیار مهم و مبسوطی است که خب درباره‌ی آن چیزهایی نوشته شده و کتابها و گزارشهای بسیار خوبی تهیّه شده که وارد آن نمیشویم؛ [چون] خودش یک فصل مجزا و طولانی است.

✦ عملکرد سپاه در عرصه‌ی توانایی‌های روزافزون

یک بخش دیگر از عملکرد سپاه مسئله‌ی توانایی‌های روزافزون است. سپاه در درون خودش متوقّف نماند، توانایی‌های خودش را روزبه‌روز افزایش داد؛ هم با همّت درونی خود سپاه، هم با همکاری فراسازمانی‌ای که انجام گرفت. این افزایش توانمندی‌ها را فقط به چشم اینکه ما سلاح ذخیره میکنیم و سلاح زیاد میکنیم و نوآوری میکنیم نباید دید؛ معنایش بازدارندگی کشور است، معنایش حفظ امنیّت کشور است. دشمن وقتی احساس کند شما ضعیفید، تشویق میشود به حمله؛ وقتی احساس کند شما نیرومند هستید، اگر قصد حمله هم داشته باشد، مجبور میشود تجدید نظر کند. لذا میفرماید: **تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوّ اللَّهِ وَ عَدُوّكُمْ**؛ (۳) این اعداد و استعدادی که در قرآن بر آن تأکید شده **«تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوّ اللَّهِ»** است، ایجاد امنیّت برای کشور است. لذا شما می بینید یک مدّتی مکرراً میگفتند که **«گزینه‌ی نظامی روی میز است»**، [حالا] مدّتی است که این حرف دیگر تکرار نمیشود، سبک شده، بی ارزش شده، میفهمند که این حرف بی معنا است. این به خاطر توانایی‌های شما است؛ توانایی‌ها را در درون وقتی افزایش میدهید، نتیجه‌اش اینجا ظاهر میشود.

✦ عملکرد سپاه در عرصه‌ی سازندگی و خدمات عمومی

یک بخش دیگر در مورد عملکرد [سپاه] مسئله‌ی سازندگی‌های

سپاه در حوزه‌های گوناگون است؛ این فصل درخشانی است، بحث بسیار مهمی است، از این نمیشود آسان گذشت. در امور زیربنائی، سپاه حرف اول را دارد میزند؛ کمتر دستگاهی را ما داریم که در مسائل زیربنائی کشور - راه‌ها، بزرگراه‌ها، سدها، پالایشگاه‌ها و امثال اینها - توانسته باشد به قدر سپاه، این مقدار کار را با هزینه‌های کمتر از معمول و با سرعت بیشتر از معمول انجام بدهد. این یک فصل افتخار آفرین بسیار مهمی است.

یک فصل دیگر مسئله‌ی خدمات عمومی سپاه است. سپاه، در بخش‌های مختلف، در کنار مردم قرار گرفت. در بخش سلامت - که بسیار مهم است - سپاه توانست کارهای بزرگ انجام بدهد. در حوادث طبیعی و بلیّاتی مثل زلزله و سیل و کرونا و امثال اینها کمک‌های اساسی کرد. رفع محرومیت؛ یکی از بخش‌هایی که همچنان ناشناخته است، همچنان گزارش درست و حسابی‌ای از آن به مردم داده نشده، حرکات سپاه و اقدام‌های سپاه در رفع محرومیت اقشار ضعیف مردم است؛ [در این بخش] کارهای بزرگی انجام گرفته، کارهایی گسترده‌ای انجام گرفته.

❖ جذابیت سپاه و الگو بودن آن برای نسل جوان

یک فصل مهم دیگر در زمینه‌ی عملکرد که این هم باید مورد توجه قرار بگیرد، اثرگذاری سپاه در فضای عمومی کشور است. طبیعی است یک مجموعه‌ای مثل سپاه با این خصوصیات که گفته شد، برای نسل جوان میتواند جذاب باشد و واقعاً جذاب است. نیروی جوان نگاه میکند میبیند در این مجموعه، علم و عمل در هم تنیده است؛ قدرت سخت و قدرت نرم در هم تنیده است. قدرت سخت موشک و پهپاد و امثال اینها است، قدرت نرم حضور در بین مردم، حرف زدن با مردم، کمک به مردم؛ اینها هر دو [هست]. نگاه به آرمانها در کنار توجه به واقعیتها و پرداختن به واقعیتها در سپاه وجود دارد. ارتباط با مردم، حضور بسیجی در کنار

مردم؛ اینها را وقتی نیروی جوان در یک مجموعه نگاه میکند، مجذوب میشود؛ اینها جذاب است برای نیروهای جوان. اگر این شرح حال شهدای دفاع از حرم و مانند اینها را شما نگاه کنید - شهدای دفاع از حرم، شهدای امنیت که در طول این سالها به شهادت رسیده‌اند - شرح حال اینها را که انسان میخواند، میبیند جاذبه‌ی حضور سپاه و سابقه‌ی سپاه مهم‌ترین عامل و مؤثر در این زایش، در این حرکت، در پدید آمدن این شخصیت‌ها است. جوانها الگو میگیرند، اثر میپذیرند. یک مجموعه‌ای که هم رسالت محور است، هم آرمان طلب است، هم در میدان حاضر است، هم در عمل پایبند به ارزشها است، یک چنین مجموعه‌ای میشود جذاب. نه فقط سازمان جذاب است، [بلکه] آدمهایش و افرادش هم جذابند، افرادش هم برای هر دل سالمی جذاب است. سردار بلند مرتبه‌اش مثل شهید سلیمانی یک جور، جوان فداکارش مثل شهید حججی یک جور، پاسدار بی‌پیرایه و دلآوری مثل ابراهیم هادی یک جور؛ اینها همه جذابند؛ هر کدام از اینها یک الگویند، یک الگوی تمام نشدنی. این هم یک بخشی از عملکرد سپاه است.

حالا اگر وارد بخش فراتر از مرزهای کشور بشویم، که بحث خیلی طولانی است؛ تأثیراتی که حرکت سپاه و وجود سپاه و آرمانهای سپاه و نوع جهت‌گیری و اقدام سپاه در جوانهای کشورهای دیگر گذاشته که اگر وارد این قضیه بشویم، بحث خیلی طولانی میشود و من هم مایل نیستم در آن بحث وارد بشوم؛ ولی خیلی مهم است. خب، این یک گوشه‌ای راجع به سپاه.

🌟 تلاش دشمن برای مخدوش کردن چهره سپاه

حالا شما ملاحظه کنید؛ یکی از بخشهای مهم فعالیت دشمن مخدوش کردن چهره‌ی سپاه است، مخدوش کردن چهره‌ی بسیج است؛

چرا؟ به همین علت؛ چون سپاه جذاب است، چون بسیج جذاب است؛ این جذابیت، آنها را نگران میکند، آنها را سراسیمه میکند، مجبورند مخدوش کنند. با خبر دروغ، با شایعه‌ی دروغ، با انواع و اقسام حيله‌ها و شگردها می‌خواهند این الگوگیری وجود نداشته باشد، این یادگیری‌ها وجود نداشته باشد، این یادگیری‌ها وجود نداشته باشد. خب این هم یک سرفصل که سرفصل عملکرد سپاه است. پس پیدایش سپاه، رشد و افزایش سپاه، و عملکرد سپاه؛ این سه سرفصل را عرض کردیم.

❖ لزوم مراقبت از خود، قبل از پاسداری از انقلاب

یک سرفصل مهم در مورد سپاه، مسئله‌ی پاسداری است، نه از انقلاب، [بلکه] از خود. قبل از آنکه راجع به پاسداری سپاه از انقلاب اهتمام بورزیم و بحث کنیم و توجه کنیم، به پاسداری سپاه از خود باید توجه کنیم. همه‌ی انسانها در معرض لغزشند. همه‌ی سازمانها در معرض لغزشند، در معرض کسالت و تنبلی و مغرور شدن و گرایشهای گوناگون گمراه‌کننده و [مانند] اینها هستند؛ همه این جورند، غیر از معصومین. همه‌ی رؤسا، همه‌ی مدیران، همه‌ی رهبران، همه‌ی فرماندهان، همه‌ی ماها، همه‌ی ماها در معرضیم، پس نیازمندیم به خودحفاظتی؛ در درجه‌ی اول نیازمندیم به پاسداری از خویش. این پاسداری از خویش در فرهنگ قرآنی اسمش «تقوا» است. تقوا یعنی همین، یعنی پاسداری از خویش؛ مراقب خودمان باشیم؛ این وظیفه‌ی سازمان به عنوان سازمان است؛ وظیفه‌ی شخصی به عنوان یکایک ماها است؛ من، شما، [همه]. یکی از کارهای مهمی که همواره باید مورد توجه ما باشد، همین حفاظت از خود است. ما ضعفهایی داریم. هر انسانی در درون شخصیت خودش یک ضعفی دارد. گاهی اوقات این ضعفها در لایه‌های درونی ذهن انسان و وجود انسان و روح انسان پنهان میماند؛

یک جا فرصت بُروز پیدا میکند و بُروز میکند؛ بعضی مان عشق به پول داریم، بعضی مان عشق به مقام داریم؛ انواع و اقسام شهوات گوناگون، ما را مجذوب خودش میکند. گاهی از اینها غافلیم، خیلی اوقات از این خصوصیات غافلیم؛ یک جا یک موقعیتی به وجود می‌آید، این بُروز پیدا میکند، ما را مغلوب خودش میکند؛ اگر مبارزه نکنیم، ما را مغلوب خودش میکند، ما را زمین میزند. باید از خودمان پاسداری کنیم.

ارزشهای سپاه، برجستگی‌های سپاه خیلی ارزشمندند؛ از اینها باید حراست کرد؛ از اینها باید حفاظت کرد؛ مسئولان رتبه‌های مختلف سپاه موظفند در این زمینه‌ها فعال باشند، حساس باشند، مراقب باشند، نگران باشند؛ اگر از یاد خدا غفلت پیدا شد، این خطر تشدید میشود؛ اگر انگیزه‌های جهادی به هر دلیلی کاهش پیدا کرد، این خطر تشدید پیدا میکند؛ اگر دستاوردها ما را مغرور کرد، این خطر افزایش پیدا میکند. عوامل خطرزا اینها است: غفلت از خدا، مغرور شدن به دستاوردها، خسته شدن از کار جهادی، بی‌توجهی به نعمتهای الهی؛ [اینکه] از نعمتهای عظیم الهی که خدا به ما داده غفلت کنیم و تا یک نابسامانی در مقابل ما قرار گرفت ما را مأیوس کند. یک مشکلی که پیش می‌آید یادمان می‌رود که خدای متعال صد مشکل ما را حل کرده، حالا این هم یک مشکل؛ [این] چه اهمیتی دارد. در دعاها به ما یاد داده‌اند: **اللَّهُمَّ تَمَّ نُورَكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَبَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَعَظَمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا؛** (۴) به یاد بیاورید نعمتهای الهی را. به مجرد اینکه یک سنگی سر راه پیدا شد یادمان می‌رود که صخره‌های عظیمی در مقابل پای ما بود برطرف شد و خدا برطرف کرد؛ فراموش میکنیم؛ دچار تردید میشویم، دچار شک میشویم، دچار کسالت میشویم، ناامید میشویم. اینها بیماری‌هایی مهلک است؛ مراقب این بیماری‌ها باید بود.

❖ لزوم افزایش آراستگی‌های علمی، عملی و معنوی در سپاه

در همین زمینه توجه کنیم که بعضی از قشرها هستند که اگر خطایی از آنها سر بزند خدای متعال، آن را دو خطا حساب میکند؛ ما معممین از این قبیل هستیم؛ [یک] خطای ما دو خطا است. خدای متعال به زنهای پیغمبر میفرماید: يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَا تُمِ كُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ؛ (۵) به زنهای پیغمبر! زنهای پیغمبر! مؤمنینند، مقامشان این قدر بالا است؛ [آن وقت] خدای متعال به همین خانمهای محترم میگوید اگر شما خطا کردید، يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ؛ دو برابر شمارا عذاب میکنیم، مؤاخذه میکنیم. البتّه «وَمَنْ يَكُنْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ»؛ (۶) اگر کار خوب هم بکنید دو برابر به شما پاداش میدهیم. شما سپاهی‌ها هم همین جور هستید؛ اگر چنانچه شما هم کار خوب بکنید دو برابر پاداش میگیرید؛ یکی پاداش خود آن کار خوب، یکی پاداش الگو شدن برای دیگران. ما معممین هم همین جور هستیم: دو برابر. از آن طرف اگر چنانچه خطائی از ما سر بزند هم همین جور: یک گناه، خود گناه و یک گناه [هم] برای آثار بیرونی‌ای که این گناه ما دارد؛ به این باید توجه کرد.

من به نسلهای جدید سپاه - که خب بحمدالله امروز ده‌ها هزار جوان در طول این سالها وارد سپاه شده‌اند و هدفهای بزرگ را دنبال کرده‌اند و افتخار آفریده‌اند و کارهای بزرگی را همین جوانها انجام داده‌اند - سفارش مؤکد میکنم که سعی کنید آراستگی معنوی و علمی و عملی خودتان را از گذشتگان با لاتر ببرید. گذشتگان مردمان خوبی بودند؛ آنهایی که در دوران جوانی از دانشگاه و از مناطق مختلف آمدند وارد میدان جنگ شدند، جانشان را در کف دست گرفتند، در روزی که امید پیروزی نبود. امید پیروزی واقعاً نبود؛ آن وقتی که دفاع مقدس شروع شد، بعد از مثلاً مدت کوتاهی، به مناطق جنگی که انسان میرفت، جز حزن، جز غم، جز تاریکی

و تیرگی چیزی نمیدید؛ در این فضا، این جوانها از جان خودشان گذشتند آمدند وارد میدان شدند، ثابت قدم ایستادند و توانستند صفحه را برگردانند، توانستند هدایت الهی و پیروزی پروردگار را جلب کنند. وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا؛ (۷) کسانی که جهاد کنند، خدای متعال هدایتش را، کمکش را، نصرتش را به آنها عنایت میکند.

همین آیاتی که تلاوت کردند. «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ» تا «يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ... وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» (۸). [میفرماید] تلاش میکنیم، خدای متعال نصرش را میفرستد؛ از آن طرف اگر خطا بکنیم، اثرش را در لحظه‌ی خطر در صف مقدم فوراً می بینیم: إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا؛ (۹) در جنگ احد، آنهایی که پایشان لغزید و صحنه‌ی پیروزی را تبدیل به شکست کردند و آن خسارت بزرگ را به جبهه‌ی حق وارد کردند، إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا، مشکل مال قبل بود؛ رفتارشان با خودشان رفتار خوبی نبوده، اثرش در جبهه، در آن منطقه‌ی حساس، در آن پیچ حساس ظاهر میشود. بنابراین، این سرفصل، سرفصل مهمی است؛ سرفصل حفاظت از خود، پاسداری از خود.

✦ حاکمیت سیاسی اسلام؛ عامل دشمنی‌ها با انقلاب

خب، حالا برسیم به پاسداری از انقلاب: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی». اولین سؤالی که پیش می‌آید این است که در انقلاب اسلامی، چه خصوصیتی هست که آن را آماج حمله‌ی دشمن قرار میدهد که احتیاج پیدا میشود به اینکه یک پاسداری وجود داشته باشد تا از آن پاسداری کنید؟ کجای انقلاب اسلامی است که موجب این است که دشمنان، پیدا و پنهان صف‌آرایی کنند و ما ناچار بشویم برایش پاسدار فراهم

کنیم که از انقلاب حفاظت کند و حراست کند؟ جواب این سؤال جواب روشنی است؛ جواب این است: حاکمیت سیاسی انقلاب. اسلام خیلی جاها در دنیا هست؛ اسلامی که به گاو و گوسفند استعمارگر و استثمارگر و مستکبر و کمپانی‌های آن چنانی هم کاری ندارد، اینها هم کاری با آن ندارند؛ اگرچه حالا با همانها خیلی دلشان صاف نیست اما خب به آنها هم خیلی اهمّیت نمیدهند. آن چیزی که دشمن را بسیج میکند در مقابل اسلام بایستد، حاکمیت سیاسی اسلام است؛ این چیزی است که به همّت ملت ایران، با رهبری آن مرد بی نظیر... امام بزرگوار به معنای واقعی کلمه بی نظیر بود. در اینجا تحقق پیدا کرد، و دشمنها را در مقابلش به صف آرای و ادار کرد: حاکمیت سیاسی اسلام.

خب، سؤال بعدی این است که حاکمیت سیاسی اسلام مگر چه خصوصیتی دارد که آنها را حسّاس میکند، آنها را وادار به عکس‌العمل و واکنش میکند؛ این چیست؟ این مهم است؛ باید روی این تعمّق کنیم؛ اینجا است که هر چه فهم ما از انقلاب اسلامی عمیق‌تر باشد، دقیق‌تر باشد، روشن‌تر باشد، همّتمان برای پاسداری بیشتر خواهد شد. البتّه در این زمینه دیگر اگر آدم بخواهد بحث کند، بحث یک ساعت و دو ساعت نیست؛ خصوصیتی که در نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی و سیاست اسلامی هست، اینها خب بحثهای طولانی است. من چند نقطه را فقط اشاره میکنم.

✦ مخالفت نظام سیاسی اسلام با ظلم و ظالم

نظام سیاسی اسلام با ظلم مخالف است، با ظالم مخالف است؛ خیلی ساده. دستور دارد «کونا لِلظّالِمِ خَصْمًا»؛ به ما گفته‌اند «کونا لِلظّالِمِ خَصْمًا». امیرالمؤمنین، مظهر اسلام واقعی، وصیتش

به عزیزترین عناصر عالم یعنی دو فرزندش این است که با ظالم دشمن باشید؛ با ظالم خصومت کنید؛ وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ (۱۰) این اول. خب اگر یک سیاستی در دنیا، یک دستگاهی در دنیا، یک قدرتی در دنیا بر اساس ظلم بنا شده، خب معلوم است با این نظام مخالف است؛ چون میدانند این [نظام] خصمش است. بنای رژیم صهیونیستی بر ظلم است، اصلاً مبتنی بر ظلم است؛ یک ملت را از خانه و زندگی شان بیرون کرده اند، [آن هم] نه با پول و درخواست، [بلکه] با تفنگ و با شکنجه و با باتوم، و جای آنها نشسته اند. مبنایش ظلم است. خب این رژیم قهراً با نظامی که «کونالِلظَّالِمِ خَصْمًا» را تابلو کرده و بالای سرش نگه داشته مخالف است؛ طبیعی است.

✦ مخالفت نظام اسلامی با غارت منافع ملتها

نظام اسلامی با دست درازی کردن به منافع ملتها مخالف است. حَتَّىٰ اِذَا رَجَعْتُمْ وَّرِجْتُمْ اِلَيْكُمْ فَاَنْتُمْ عَلَيْهِمْ كَالْغَائِبِ قَوْمٍ عَلٰى اَلَّا تَعْدِلُوْا؛ (۱۱) در مواجهه‌ی با ملتها، با دادگری و عدالت رفتار نکنید، حَتَّىٰ اِذَا رَجَعْتُمْ وَّرِجْتُمْ اِلَيْكُمْ فَاَنْتُمْ عَلَيْهِمْ كَالْغَائِبِ قَوْمٍ یعنی با شما حَتَّىٰ مخالفت هم دارند، اما در برخورد با آنها بی عدالتی نباید بکنید. خب، رژیم‌هایی که مبنای کارشان بی عدالتی است، اینها طبعاً مخالفند. انگلیس یک روزی ثروتمندترین کشور اروپا بود. از کجا آورده بود؟ از هندوستان، از منطقه‌ی شرقی بعد از شبه‌قاره‌ی هند، از سرزمین‌های آمریکا آن وقتی که در اشغال انگلیس‌ها بود. ثروت با غارت منافع دیگران به دست آمده. فرانسه کشور ثروتمندی شد، توانست کارهای علمی بکند؛ [ثروتش را] از کجا به دست آورده بود؟ از الجزائر، از مراکش، از تونس، از مناطق فرانسوی نشین آفریقا یا آمریکای لاتین؛ بقیه هم همین جور. بنای کار اینها بر استثمار بوده؛

چون کشتیرانی بلد بودند، کنار دریا بودند، میتوانند، میتوانند، میتوانند به اینجا و آنجا بروند، اول با حيله و فریب، بعد هم که تفنگ به دست آوردند، با تفنگ توانستند منافع ملت‌ها را بزور از حلقشان بیرون بکشند. خوب پیدا است که این دولت‌ها، این قدرتها، این رژیم‌ها با یک نظامی که اساسش بر عدم ظلم به ملت‌ها و عدم دخالت در کار ملت‌ها است، با این مخالفند؛ این [جور] است دیگر. حالا فلان به اصطلاح تحلیل‌گر سیاسی می‌نشیند تحلیل میکند که انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، جمهوری اسلامی چه کار کرده که فلان کشور و فلان کشور و فلان کشور با آن مخالفند؛ تحلیل می‌خواهد؟ خوب معلوم است. مسئله این است: دستگاه اهریمنی استعمار نمیتواند با نظامی مثل نظام اسلامی خوب باشد.

✦ اعتقاد نظام اسلامی به کرامت انسان

نقطه‌ی بعدی؛ نظام اسلامی معتقد به کرامت انسان است؛ انسان بماهو انسان، نه انسان فلان منطقه، انسان فلان نژاد، انسان فلان رنگ. **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ (۱۲)** ما بنی آدم را تکریم کردیم؛ این قرآن است؛ سیاه منطقه‌ی سیاه پوست هم «بنی آدم» است؛ هیچ فرقی ندارد. این منطق تبعیضی که غربی‌ها این منطق را به شکل فصاحت باری گسترش دادند و عمل کردند و تا امروز هم دارند ادامه میدهند، صد درصد ضد قرآن و ضد اسلام است؛ نظام اسلامی با این مخالف است. خوب شما میخواهید آمریکا، که هنوز که هنوز است بعد از گذشت دو بیست سیصد سال، سیصد چهارصد سال از آغاز ورود غربی‌ها به آمریکا، [که] هنوز مسئله‌ی تبعیض نژادی در آنجا وجود دارد، شما میخواهید این رژیم، این نظام با نظام اسلامی مهربان باشد؟ خوب نظام اسلامی مخالف با این چیزها است. این هم یک خصوصیت.

◆ رفتار مسالمت آمیز نظام اسلامی با دولتهای غیر متخاصم و مقابله با پیمان شکنان

یکی دیگر از خصوصیات نظام اسلامی، [این است که] نظام اسلامی معتقد است که اگر یک کشوری، یک دولتی بنای بر مخاصمه‌ی با او ندارد، بنای بر دشمنی با او ندارد و میگوید بیا بیا با هم جنگ نکنیم، نظام اسلامی باید قبول کند؛ **وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ**. (۱۳) طرف، یک دولتی است که همفکر و هم عقیده با شما هم نیست اما بنای مخاصمه ندارد، میگوید بیا بیا با هم باشیم، با هم با مسالمت رفت و آمد کنیم؛ اشکال ندارد. **لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ**؛ (۱۴) [اگر] با شما نجنگیدند، شما را از خانه و دیارتان بیرون نکردند، معارضه‌ای با شما ندارند، قبول کنید؛ اما اگر دیدید که طرف، مورد اطمینان نیست، دروغ میگوید، حيله میکند، نه؛ **لَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ**؛ (۱۵) اگر این جور است حق ندارید؛ اگر احساس کردید، فهمیدید، قرینه‌ها نشان دادند که طرف [مقابل] صادق نیست، دروغ میگوید، در ظاهر این دست را جلو آورده که با شما دست بدهد اما با آن دست دیگرش، پشت سریک خنجر زهر آلود را قبضه کرده و گرفته، **فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ**؛ هرگز قبول نکنید. یا اگر چنانچه پیمانی بستید، **وَإِنْ نَكَثُوا آيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ**، (۱۶) شما هم با آنها مقابله به مثل کنید؛ پیمان شکستند، پیمانشان را بشکنید. ببینید! اینها درسهای نظام اسلامی است. خب این درسها در مقابله‌ی با اهریمنان، دشمن ساز است. بله! آدمهایی که اهریمن نیستند، خیانت ندارند، رذالت ندارند برایشان قابل قبول است، اما آن دشمنی که خیانت دارد، رذالت دارد، کینه ورز است، عهد شکن است، دروغ گو است، قهراً دشمن میشود دیگر. پس چیزهایی که در نظام اسلامی هست و دشمن ساز است اینها است؛ و از این قبیل.

❖ اشتباه نکردن در شناخت دشمن

تهاجم از طرف کیست؟ از طرف کسانی که با این خصوصیات مخالفند؛ پس دشمن را شناختیم. ما وقتی این تعمق را می‌کنیم، هم انگیزه برای پاسداری پیدا می‌کنیم، هم می‌فهمیم که در مقابل چه کسی باید از انقلابمان پاسداری کنیم؛ طرف را می‌شناسیم و اشتباه نمی‌کنیم. یکی از گرفتاری‌هایی که گاهی ما به آن مبتلا شده‌ایم و باید مراقب باشیم مبتلا نشویم، این است که در شناخت دشمن اشتباه نکنیم. گاهی اوقات انسان در شناخت دشمن اشتباه می‌کند. امام (رضوان الله علیه) با آن چشم بصیرت - یعنی واقعاً هیچ تعبیری بهتر از این دیگر در مقابل آن مرد نمی‌شود گفت، بصیرت به معنای واقعی کلمه - که در لایه‌های پنهان نفوذ پیدا می‌کرد و چیزهایی را میدید، گفت: «هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید». (۱۷) پس معلوم شد که علت اینکه با این انقلاب دشمنی وجود دارد چیست و آن کسانی که دشمنی دارند چه کسانی هستند.

❖ الگوشدن جمهوری اسلامی برای حرکت‌های مقاومتی در منطقه

یک نکته‌ی دیگر هم در باب این دشمنی‌ها وجود دارد؛ اگر جمهوری اسلامی الگو نمیشد، باز این دشمنی‌ها کمتر بود اما جمهوری اسلامی الگو شده، پیشگام شده؛ جمهوری اسلامی پیشران حرکت‌های مقاومتی در این منطقه‌ی حسّاس شده؛ مسئله این است. این هم یکی از چیزهای مهم است. ببینید! تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی این رژیم حقیر صهیونیستی می‌توانست در ظرف شش روز ارتش چند کشور نسبتاً قوی دُور و بَر خودش را زمین‌گیر کند؛ مصر را، سوریه را، اردن را. در ۱۹۶۷ در جنگ شش‌روزه، ارتش صهیونیست توانست ارتش‌های مجهز این سه کشور را زمین‌گیر کند و مبالغ زیادی از خاک اینها را هم تصرف کند؛ صدها کیلومتر مربع از خاک این سه کشور را گرفت. عین همین قضیه

در سال ۱۹۷۳ اتفاق افتاد؛ آنجا این کشورهای مصر و سوریه توانستند از یک غافلگیری استفاده کنند، اول کار یک حرکتی انجام بدهند؛ ولی بلافاصله باز توانست آنها را محاصره کند، باز هم آنها را شکست داد؛ یعنی رژیم صهیونیستی جوری بود که سه کشور، با همه ی ارتششان حریف او نمیشدند و او در ظرف ۶ روز آنها را زمین گیر میکرد. بعد از انقلاب اسلامی، کار به جایی رسید که همین رژیم ۳۳ روز همه ی تلاش خودش را کرد که حزب الله را در لبنان شکست بدهد، نتوانست و مجبور شد با فضاحت فرار کند؛ در مقابل حزب الله نتوانست مقاومت بکند. فاصله ی قبل از انقلاب و انقلاب، فاصله ی جنگ شش روزه و جنگ سی و سه روزه است. امروز کار به جایی رسیده که در داخل سرزمین های اشغالی فلسطین، در منطقه ی غرب رود اردن، خود جوانها جوری حرکت میکنند، جوری حمله میکنند که رژیم صهیونیستی را عاجز میکنند و عاجز کرده اند. انقلاب این است؛ خب قهراً دشمنی پیدا میشود دیگر.

◆ تداوم سیاست بحران سازی در کشور با هدف ناامنی و اختلال در زندگی مردم

خب، نکته ی آخر را هم من عرض بکنم. پیشرفتها زیاد است، کارهای خوب فراوان است، توانایی ها روزافزون است. فرمانده محترم سپاه بیانات خوبی کردند درباره ی توانایی ها و در بیان توصیف آنچه وجود دارد. همه ی اینها هست، شاید خیلی چیزهای دیگر هم هست که طبعاً در گزارشها نمی آید، لکن من عرض میکنم به توانایی ها و پیشرفتها مغرور نشوید؛ مراقب باشید غرّه نشویم به آنچه داریم؛ قدرش را بدانیم، اهمّیتش را درک کنیم، بدانیم که آن سیاست راهبردی [ایجاد] بحرانهای پی در پی که در کنفرانس گوادلوپ تصویب شد، هنوز جریان دارد، آن سیاست هنوز در حال جریان است، از آن سیاست

دست برنداشته‌اند. [میخواهند] در داخل نظام جمهوری اسلامی، کشور عزیز ما، دائماً بحران ایجاد کنند؛ یک روز به بهانه‌ی انتخابات، یک روز به بهانه‌ی بنزین، یک روز به بهانه‌ی زن، به بهانه‌های گوناگون، [میخواهند] بحران‌سازی کنند و میکنند. ابزارها هم امروز ابزارهای پیشرفته‌تری است؛ معلوم است. هدف دشمن هم از این بحرانها، در درجه‌ی اوّل، این است که امنیّت کشور را از بین ببرد؛ امنیّت که نبود، اقتصاد هم نیست؛ امنیّت که نبود، علم نیست، دانشگاه نیست، مراکز تحقیقاتی نیست؛ امنیّت که نبود، اشتغال نیست؛ امنیّت که نبود، کارهای زیرساخت‌سازی هم نیست؛ امنیّت که نبود، راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده هم نیست؛ امنیّت اصل است. هدف از این بحران‌سازی‌ها مخدوش کردن امنیّت کشور است؛ این را به عنوان یک حقیقت باید بدانیم و وظیفه‌ی خودمان را در قبال آن مشخص بکنیم. دشمن می‌خواهد در امنیّت کشور تصرف کند، در زندگی مردم اختلال ایجاد کند؛ حرکت دشمن این است. خب عامل اصلی البتّه معلوم است؛ عامل اصلی همین دستگاه‌های جاسوسی سیا و موساد و ام‌آی ۶ و مانند اینها هستند دیگر؛ اصل اینها هستند، منتها پادوهای هم دارند؛ پادوهای داخلی، پادوهای خارجی، عناصر غرب‌گرا، عناصر بی‌توجه؛ اینها هم پادویی میکنند، اما اصل قضیه آنجا است؛ سرقضیه آنجا است.

❖ وظیفه‌ی مسئولان؛ کار جهادی و شبانه‌روزی

امروز وظیفه‌ی ما مراقبت دائمی از انقلاب است؛ وظیفه‌مان امروز وحدت ملّی است؛ وحدت ملّی مهم است؛ وظیفه‌مان امروز مشارکت دادن مردم است؛ کمک کردن به آحاد مردم بخصوص به طبقات ضعیف است؛ وظیفه‌مان امروز کار جهادی مسئولان است؛ این دیگر مربوط به خصوص سپاه نیست، همه‌ی مسئولان کشور امروز موظّفند کار جهادی

کنند، شبانه روزی کار کنند، خستگی نشاناسند. ما فصل مُشبعی (۱۸) را حرکت کرده ایم؛ این سربالایی، این شیب تند را عبور کرده ایم، به قلّه‌ها نزدیک شده ایم. نباید خسته بشویم. امروز روز خسته شدن نیست، روز ناامید شدن نیست؛ امروز روز شوق است، روز امید است، روز حرکت است؛ مسئولین کشور در بخش‌های مختلف باید با این روحیه حرکت کنند. اعتماد باید وجود داشته باشد، نمی‌گوییم انتقاد نباشد؛ انتقاد همراه با اعتماد. می‌خواهند انتقاد بکنند، اشکال ندارد، اما اعتماد داشته باشند. مسئولین دارند کار میکنند؛ با اخلاص، با علاقه مندی، با شوق، با توکل به خدا، با همه‌ی توان؛ اعتماد بشود به آنها، انتقاد هم اگر لازم بود، [بشود]؛ من مخالفتی با انتقاد ندارم. اگر این راه را دنبال کردیم و بحمدالله تا امروز دنبال شده و بعد از این هم به فضل الهی، به توفیق الهی دنبال خواهد شد، پیروزی بر دشمن قطعی است.

والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱- در ابتدای این دیدار که به مناسبت برگزاری بیست و چهارمین مجمع عالی فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزار شد - حجّت الاسلام عبدالله حاج صادقی (نماینده‌ی ولیّ فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) و سرلشکر حسین سلامی (فرمانده کلّ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) مطالبی بیان کردند.

۲- مهرداد اوستا

۳- سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۰؛ «... تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید...»

۴- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۸۸ (دعای قنوت نمازوتر)

۵- سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۰؛ «ای همسران پیامبر، هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند، عذابش دوچندان خواهد بود...»

۶- سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۱؛ «و هر کس از شما خدا و فرستاده‌اش را فرمان برد و کارشایسته کند، پاداشش را دوچندان می‌دهیم...»

۷- سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۶۹؛ «و کسانی که در راه ما



کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان منماییم...»

۸- سوره‌ی صف، بخشی از آیات ۱۱ تا ۱۳؛ «به خدا و فرستاده‌ی او بگروید و در راه خدا با مال و جان‌تان جهاد کنید... و شما را در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد... و [رحمتی] دیگر که آن را دوست دارید: یاری و پیروزی نزدیکی از جانب خدا است...»

۹- سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۵۵؛ «روزی که دو گروه [در احد] با هم رویاروی شدند، کسانی که از میان شما [به دشمن] پشت کردند، در حقیقت، جز این نبود که به سبب پاره‌ای از آنچه [از گناه] حاصل کرده بودند، شیطان آنان را بلغزانید...»

۱۰- نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۷

۱۱- سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۸؛ «... و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید...»

۱۲- سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۷۰

۱۳- سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۱

۱۴- سوره‌ی ممتحنه، بخشی از آیه‌ی ۸

۱۵- سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۳۵

۱۶- سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۲؛ «و اگر سوگندهای خود را پس از پیمان خویش شکستند...»

۱۷- صحیفه‌ی امام، ج ۱۱، ص ۱۲۱؛ سخنرانی در جمع پاسداران تهران (۴/۹/۱۳۵۸)

۱۸- مفصل

فَلْيُحْيُوا الْمَيِّتَ لَعَلَّكُمْ يَهْتَدُونَ



بیانات رهبرانقلاب در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران | ۱۴۰۲/۵/۲۶



گزارش تصویری



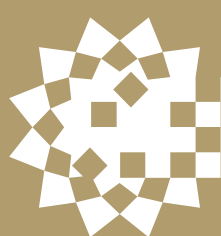
صوت



فیلم کامل



متن بیانات



KHAMENEI.IR

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای